

## کتاب ایوب

جلسه ۲۴: ایوب در کتاب ایوب

### نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۴، ایوب در کتاب ایوب است.

#### مقدمه [۰۰:۴۵-۰۰:۲۱]

حالا قرار است چند بخش را به بررسی اجمالی برخی از شخصیت‌های کتاب ایوب اختصاص دهیم. اول از همه، البته نگاهی به ایوب می‌اندازیم و سپس به جهان و چگونگی درک جهان در کتاب ایوب می‌پردازیم. و در نهایت، نگاهی به خدا در کتاب ایوب خواهیم داشت. اینها برخی از بخش‌هایی هستند که در ادامه مطرح خواهند شد.

#### نقش ایوب در کتاب [۰۰:۴۵-۰۰:۲۰]

بنابراین، بیایید نگاهی به ایوب بیندازیم و سعی کنیم نقش او را در کتاب و پیام کتاب خلاصه کنیم. نقش ایوب طرح مسئله کتاب است. نقش او ارائه پاسخی نیست که کتاب ارائه می‌دهد. دیدگاه‌های او باز هم یک راه اشتباه دیگر برای واکنش به رنج را نشان می‌دهد. او همچنین حکمت ناکافی را به تصویر می‌کشد. او نه به خاطر نحوه واکنشش به رنج، بلکه به خاطر کیفیت و انگیزه عدالتش و به خاطر توبه نهایی‌اش مورد ستایش قرار گرفته است. ایده‌های او در مورد اینکه چرا رنج می‌کشد، خدا ناعادلانه است و تجویز او برای درمان دردش، رویارویی با خداست. هر دو نادرست هستند. بنابراین، باید مراقب باشیم که به کتاب ایوب نرسیم و انتظار نداشته باشیم که از او الگو بگیریم.

#### پارسایی ایوب [۰۰:۲۰-۰۰:۰۳]

حالا، عدالت او، عدالتی است که کسی را از دنیای اطرافش متمایز می‌کند. این ایوب ۳۱ است، وقتی ایوب سوگند بی‌گناهی خود را ادا می‌کند، به نوعی توصیف می‌کند که چگونه عدالت خود را درک می‌کند. بنابراین، این عدالت مطلق نیست همانطور که در نظر خدا، هیچ کس عادل نیست، همانطور که مزامیر به ما می‌گوید. اما این نوع عدالت شما را از دنیا متمایز می‌کند. واقعاً در کتاب به عنوان تضادی با مزایا قرار می‌گیرد. این نکته‌ای است که ایوب به آن علاقه‌مند است، درستکاری‌اش و نه مزایای آن. او به شدت از درستکاری دفاع می‌کند. آیا ایوب در نهایت به آنچه که با رفتار درست خود به دست می‌آورد علاقه‌مند است، یا اینکه رفتار درست او صرف نظر از مزایا، ارزش مستقلی دارد؟ و البته، او اینگونه پیش می‌رود.

#### چرا ایوب پارسا است؟ [۰۰:۰۳-۰۰:۴۵]

اگر انگیزه پارسایی او سود بالقوه نباشد، پس چه چیزی او را برمی‌انگیزد؟ چرا ایوب پارسا است؟ متن واقعاً چیزی نمی‌گوید، زیرا بیشتر به این موضوع می‌پردازد که آیا سود، انگیزه است یا خیر، اگر سود، انگیزه نباشد، متن نکته خود را بیان کرده است.

ایوب ادعا نمی‌کند که بی‌نقص است. کتاب او را بی‌نقص نمی‌شناسد. او فقط می‌خواهد از آن نوع گنا‌هانی که می‌توانست باعث سقوط چشمگیرش شود، مبرا اعلام شود. این علاقه ایوب به پارسایی‌اش است.

### تقوای ایوب - حقیر؟ [۷:۴۵-۳:۴۵]

بیایید به علاقه او به تقوا برگردیم. ما قبلاً در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم، حتی در اوایل بررسی آیات چهار و پنج در فصل اول. من از کلمه "تقوا" به عنوان راهی برای صحبت در مورد اجرای آیینی استفاده می‌کنم، زیرا در دنیای باستان اینگونه تصور می‌شد. به یاد داشته باشید، این کلمه با همزیستی بزرگ - خدایان نازپرورده - مرتبط است. بنابراین، تقوا آن دسته از اعمال آیینی است که در سیستم همزیستی بزرگ برای نازپرورده کردن خدایان عمل می‌کنند. تقوا از این نوع بیمه‌ای در برابر نفس شکننده خدایان و در برابر بی‌ثباتی آنها بود. تقوا، به این معنا، منحصر به فرد و منحصر به فرد برای درستکاری نیست، بلکه تنها چیزی بود که برای حفظ جایگاه خوب در نزد خدایان در بیشتر دنیای باستان ضروری بود. تنها چیزی که شما نیاز داشتید این اجرای آیینی بود. در سراسر کتاب، تقوا هرگز به عنوان پاسخ مورد نیاز برای اصلاح وضعیت ایوب، حتی توسط دوستانش، پیشنهاد نشد. آنها هرگز پیشنهاد نمی‌کنند که اجرای آیینی مشکل او را حل کند.

اما همزیستی بزرگ، انگیزه فرضی برای پارسایی و تقوای اوست. یعنی او این کار را به خاطر منافعی که به دست می‌آورد، انجام می‌دهد. تقوا نه به عنوان بخشی از مشکل و نه به عنوان بخشی از راه حل ارائه نمی‌شود. به طرز عجیبی در گفتگو غایب است. این، دوباره توجه ما را به اهمیت آن در ایوب، فصل اول، آیات چهار و پنج، جلب می‌کند. ایوب از طرف فرزندان قربانی‌هایی تقدیم می‌کند، در صورتی که ممکن است مرتکب خطایی جدی، اما غیر عمدی شده باشند. این نشان می‌دهد که ایوب از نظر آیینی نسبت به یک خطا وظیفه‌شناس است. اگرچه کتاب به این موضوع نمی‌پردازد که آیا او به اندازه کافی پارسا است یا خیر، و باز هم، همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، فکر می‌کنم در عوض یک آسیب‌پذیری بالقوه را منتقل می‌کند.

با پیشروی در کتاب، ایوب بارها تلاش می‌کند تا یک میانجی، یک وکیل مدافع، را برای رویارویی با خدا در دادگاه به کار گیرد. ظاهراً او به این نتیجه رسیده است که خدا باید حقیر باشد و با پرهیزگاری، با رنج و بدبختی شدید، به دیدار صالحان برود، البته به لحاظ فنی. عادت بسیار وظیفه‌شناسانه ایوب، پلی به صحنه بهشت می‌زند. این احتمال وجود دارد که پیشنهاد چالشگر حتی بر اساس پیامدهای بالقوه تقوای آیینی ایوب بنا شده باشد. اگر ایوب این سوءظن را در سر می‌پروراند که خدا تمایل به حقیر بودن دارد، تا جایی که او بر اساس چنین احتمالات ناچیزی در این آیین‌های سخت‌گیرانه شرکت می‌کند، پس می‌توان نتیجه گرفت که ایوب نه تنها در تقوای خود، بلکه در عدالت خود نیز از ترس از هدف حمله قرار گرفتن توسط خدایی غیرمنطقی و دمدمی مزاج انگیزه می‌گیرد.

اگر ایوب به این دلیل به تقوا گرایش دارد که خدا را حقیر می‌داند، آیا این احتمال نیز وجود ندارد که ایوب به این دلیل به پارسایی گرایش داشته باشد که معتقد است الطاف خدا در معرض خطر است؟ در این صورت، چالشگر دلیل خوبی دارد که باور کند ایوب ممکن است در محدوده همزیستی بزرگ عمل کند و بنابراین حق دارد این موضوع را در پیشگاه خدا مطرح کند. بنابراین، پیشنهاد چالشگر عملی از روی بدخواهی نیست، بلکه یک استنتاج منطقی است.

### صداقت ایوب [8:22-7:45]

بنابراین، صداقت ایوب این است که ایوب نه در ارزیابی‌هایش درباره خدا یا سیاست‌هایش کامل است و نه درست می‌گوید. اما آن یک چیزی که او درست می‌گوید، حفظ صداقتش است. باز هم، در فصل ۲۷، آیات دو تا شش، این امر زمانی محقق می‌شود که نشان داده می‌شود ایوب در واقع خدا را بی‌دریغ خدمت می‌کند. این صداقت اوست اگر ایوب از نصیحت همسر یا دوستانش پیروی می‌کرد، نشان می‌داد که او بیهوده به خدا خدمت نکرده است. درستکاری او از بین می‌رفت.

### ایوب به عنوان فردی خودبین [۹:۲۲-۸:۲۹]

ایوب نیز، به ویژه تحت نظر الیهو، خودبین به نظر می‌رسد. خودبین بودن صرفاً به دلیل درستکار بودن کسی قابل توجیه نیست، و این در مورد ایوب نیز صادق است. خودبین بودن او یک مشکل است زیرا او از آن به عنوان وسیله‌ای برای قرار دادن خود در جایگاهی بالاتر از خدا استفاده می‌کند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که دیدگاه ایوب در مورد درستکاری خود، آنقدر مطمئن است که حاضر است برای حفظ آن، عدالت خدا را بی‌اعتبار کند. و البته، سخنان خدا در فصل ۴۰، آیه هشتم، نشان می‌دهد که دقیقاً همین اتفاق افتاده است.

بنابراین، ایوب به عنوان یک شخص در بسیاری از موارد در کتاب شکست می‌خورد. او مردی است که چیزهای زیادی برای انجام دادن دارد و کارهای مهم خاصی را به درستی انجام می‌دهد. اما اشتباهات زیادی هم مرتکب می‌شود.

### این کتاب درباره هدایت ما به سوی پاسخ‌های بهتر توسط خداوند است [۱۱:۲۰-۹:۲۹]

و بنابراین، دوباره باید به یاد داشته باشیم که ایوب به عنوان یک شخصیت، محور اصلی کتاب نیست. این کتاب درباره خداست، نه درباره ایوب. واکنش‌های ایوب برای ما الگو نیستند. نکات زیادی برای تحسین او وجود دارد، اما نکات زیادی هم وجود دارد که او در نحوه واکنش به موقعیتش، به خاطر آنها محکوم می‌شود. ایوب فقط یکی دیگر از شخصیت‌های کتاب است که اشتباه می‌کند.

این کتاب می‌خواهد به ما بگوید که چگونه کارها را درست انجام دهیم. ایوب شخصیتی در کتاب است که بیشترین شانس را برای درست انجام دادن کارها دارد. زیرا درستکاری او مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است، اما حتی کسی که چنین شناخت بالایی از انجام درست کارها دارد، همیشه وقتی اوضاع از هم می‌پاشد، واکنش خوبی نشان نمی‌دهد. این کتاب می‌خواهد ما را به سمت واکنش‌های بهتر در هنگام بروز مشکلات، به ویژه در مورد نحوه تفکر در مورد خدا، هدایت کند.

ایوب الگوی خوبی در همه این موارد نیست. و بنابراین، او بخشی از چگونگی آشکار شدن پیام کتاب است. ما باید پیام کتاب را یاد بگیریم، نه اینکه ایوب را در جایگاه والایی قرار دهیم.

در ادامه توجه خود را به جهان معطوف خواهیم کرد. بنابراین، این بخش بعدی چگونگی ایفای نقش جهان در کتاب خواهد بود.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۴، ایوب در کتاب ایوب است. [۱۱:۲۰]